

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین یوم وېر زنده یک تن مېباد

همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

جيو ستراتيک	Geo-Strategic
-------------	---------------

لوموند ديپلماتيک

هند و اسرائيل، دو شریک در خفا

اتحادهائي غير عادي

نوشته Isabelle SAINT-MEZARD

نشست هند آفریقا در دهلي نو در آوریل ۲۰۰۸؛ نشستی دیگر بین آمریکای لاتین و دنیای عرب در مارس ۲۰۰۹ در دوحه (قطر)؛ و نشست سوم که در سپتامبر ۲۰۰۹، آمریکای لاتین و آفریقا را در جزیره مارگاریتا (ونزوئلا) به دور یک میز نشاند. چه کسی از این مسئله آگاه شد؟ چین قبل از ایالات متحده آمریکا، بزرگترین خریدار نفت سعودی است؛ نوعی هماهنگی اقتصادی و سیاسی بین هند، آفریقای جنوبی و برزیل موجود است. چه کسی از این مسئله آگاه شد؟ مطمئناً ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا بازیگران اصلی باقی میمانند، اما با جاهطلبیهای جدیدی مواجه هستند که با نیرویی مضاعف در جلوی ایشان ایستادگی می کند. راههای جدیدی باز می شود، همکاری هایی ایجاد می شود، اتحادیهایی شکل می گیرند که دیگر از ایدئولوژی سوسیالیستی یا جهان سومی خط نمی گیرند. بلعکس، باید از رویکردی فاصله گرفت که صرفاً همه چیز را از زاویه جنگ سرد تفسیر می کند. تحلیل هایی را که در زیر می خوانید به روابط غیر منتظره هند و اسرائیل می پردازد. این تحلیل سنگ بنای مجموعه مقالاتی است، که ما از این پس به این رابطه ناشناخته معطوف می داریم.

با اینکه روابط دیپلماتیک موجود بین تل آویو و دهلي نو به کمتر از ده سال پیش بازمی گردد، این دو پایتخت، کلاف پیچیده ای از روابط را بین خود تنیده اند. این روابط در زمینه نظامی برجسته به نظر می آید.

با یک سال تاخیر، در سال ۱۹۴۷ و در سال ۱۹۴۸، هند و اسرائیل از خرابه های امپراتوری بریتانیا به وجود آمدند. روند این به وجود آمدن در پس درگیریهایی شدید جدایی طلبانه بود. این دو کشور درگیر منازعات پیچیده ای شده بودند که بی وقفه

با درگیریهای مسلحانه همراه بود. با این وجود، این شباهت‌ها باعث ایجاد هیچگونه نزدیکی خاصی بین این دو کشور نشد. بلکه بلعکس.

بعد از سالهای ۱۹۲۰، روسای جنبش ملی‌گرای هند و اعراب فلسطین بر ضد امپریالیسم بریتانیا با یکدیگر متحد شدند، و با خواست صهیونیست‌ها برای تشکیل دولت یهود به مبارزه برخاستند. هند به طرح جداسازی فلسطین در مجمع عمومی سازمان ملل، در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، رای منفی داد، و تنها در سال ۱۹۵۰ بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت. تا سالهای ۱۹۸۰، هند به اتحاد خود با کشورهای عربی هم در جنبش غیر متعهدا و هم در سازمان ملل ادامه داد، و به دفاع از حقوق فلسطینیان برای داشتن دولتی مستقل پرداخت.

مثلت استراتژیک با ایالات متحده آمریکا

این ژست سیاسی از پیش زمینه‌های فکری برخوردار بود. هند از همسو شدن کشورهای مسلمان در جهت ادعاهای پاکستان بر سر کشمیر می‌ترسید. از جمله عوامل دیگری که در این جریان دخیل بود، می‌توان به مسئله امنیت انرژی اشاره کرد. دهلی نو نسبت به تامین نفت خود وابستگی زیادی به کشورهای خاور نزدیک داشت. به علاوه، این کشور برای متعادل کردن تراز پرداخت‌هایش تا سالهای ۱۹۸۰ و اوایل سال ۱۹۹۰ (۱)، بر روی پولی حساب باز کرده بود که اتباع هندی از کار در کشورهای خلیج فارس می‌فرستادند.

با این حال، در طول چندین دهه، گسل موجود بین هند و اسرائیل کاسته شد. از اوایل سالهای ۱۹۶۰، این دو کشور ارتباط‌های مخفیانه‌ای را در زمینه‌های نظامی و اطلاعاتی با یکدیگر برقرار کردند. بدین ترتیب در درگیری بین هند و چین (در سال ۱۹۶۲)، و پس از آن با پاکستان (در سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱) اسرائیل خود را آماده کمک به ارتش هند یافت. در سال ۱۹۷۸ وزیر دفاع، موشه دایان، حتی دیداری مخفیانه از هند را ترتیب داد، تا در طی آن همکاری احتمالی را پایمیزی کند. بالاخره در سال ۱۹۹۲، دهلی نو روابط دیپلماتیک رسمی خود با تل‌آویو را پایه‌گذاری کرد. شرایط بین‌المللی به تسهیل این تصمیم کمک کرد. این شرایط شامل پایان جنگ سرد و کنفرانس مادرید در اکتبر ۱۹۹۱ در مورد خاور نزدیک بود که دورنمایی از صلح را نشان می‌داد. اما یکی دیگر از عوامل دخیل در این تصمیم، ناکامی از سیاستهایی بود که تا آن زمان اتخاذ شده بود. بدین معنی که نه تنها هند هیچگاه نتوانست نفوذ پاکستان در کشورهای عربی را خنثی کند، بلکه برعکس بارها شاهد بود که سازمان کنفرانس اسلامی (OCI) قطعنامه‌هایی را علیه موضع‌گیری هند در مورد کشمیر صادر کند.

اگر حزب کنگره (چپ میانه) حزبی است که روابط دیپلماتیک با اسرائیل را ایجاد کرد، باید گفت که حزب تندرو هندوستان، حزب مردم هند (Bharatiya Janata Party, BJP)، وقتی که به قدرت رسید (بین ۱۹۹۸ و ۲۰۰۴)، به این مشارکت سرعت بخشید و این روابط را معنادار کرد. حزب مردم هند اگر با کشورهای مسلمان دشمن نباشد قطعاً نسبت به آنها شکاک است، و بدون هیچ تردیدی آشکارا همسویی خود با تل‌آویو را ابراز داشته است. باید تأیید کرد که در رابطه با سیاست داخلی، این حزب هیچگاه خود را در تنگنای نظر اقلیت مسلمان هند نمی‌دید. گزاره‌ای که در مورد حزب کنگره صدق نمی‌کند. فضایی بعد از ۱۱ سپتامبر بیشتر به تقویت این رابطه جدید کمک کرد، زیرا که دولت ائتلافی حزب مردم هند، به حمایت از نظراتی پرداخت که به دنبال تشکیل جبهه کشورهای دموکراسی لیبرال در برابر تهدیدات تروریستی اسلام‌گرا بودند. و اگر به دنبال نمادی برای این جریان باشیم می‌توان به دعوت این حزب از آریل شارون، نخست‌وزیر، اشاره کرد که در سپتامبر ۲۰۰۳، برای برگزاری سالگرد... حملات ۱۱ سپتامبر در آمریکا به آنجا سفر کرده بود.

این بینش سیاسی به رویایی یک مثلث استراتژیک میان اسرائیل، هند و ایالات متحده (۲) انجامید. این بینش برای اولین بار در ۸ مه ۲۰۰۳ توسط براچش میشر مطرح شد که در آن زمان مشاور امنیت ملی بود. وی در مراسم شامی که سالیانه در انجمن یهودیان آمریکا (American Jewish Committee) برگزار می‌شود گفت: «در اینجا موضوع اصلی ما این است که به طور جمعی یادآور وحشت ناشی از تروریسم باشیم و اتحاد جوامع آزادی را جشن بگیریم که در مبارزه با این معضل درگیر هستند. ایالات متحده آمریکا، هند و اسرائیل هر سه مورد هدف تروریسم واقع شده‌اند. این سه کشور باید به طور مشترک در مقابل این پدیده هولناک که تروریسم دوران مدرن است، بایستند (۳)». در ادامه، بحثهایی مابین نمایندگان سه دولت، به ویژه در مورد مسائل دفاعی و ضد تروریستی صورت گرفت. این در حالی بود که در پشت صحنه پیوند بی‌چون چرایی بین گروه‌های فشار طرفدار هند و طرفداران اسرائیل در واشنگتن صورت می‌گرفت.

سر کار آمدن حزب کنگره در سال ۲۰۰۴، به شکل دولتی ائتلافی، بعد ایدئولوژیک جریان را نرم تر کرد؛ اما در اصل موضوع به پایه اصلی روابط اسرائیل و هند خدشه ای وارد نشد. و این بدین دلیل بود که این روابط به زمینه های دفاعی و امنیتی بر می گشتند که از اولویت برخوردار بودند. قطع یقین این روابط چند گانگی خود را شاهد بود و در بخشهای کشاورزی، جهانگردی، علوم و فناوری همکاری هایی بوجود آمد. با اینکه هند بسیار به صنعت الماس وابسته است (تقریباً ۵۰ درصد حجم مجموع واردات و صادرات موجود بین دو کشور در ۲۰۰۸) (۴)، مبادلات تجاری از ۲۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۲ به ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ رسید. با این اوصاف، دفاع در قلب همکاریها باقی مانده است.

بقای صنعت اسلحه سازی اسرائیل به صادرات آن وابسته است. تا پایان سالهای ۱۹۹۰، صادرات اسلحه غالباً به چین بود. اما و تو آمریکا نسبت به انتقال فن آوری حساس به پکن، تل آویو را مجبور کرد که به بازارهای دیگر از جمله هند روی بیاورد. این تغییر رویکرد پرثمر بود زیرا که این مسئله در زمانی رخ داد که رونق اقتصادی سرانجام به دهلی نو این اجازه را می داد که به تامین مالی نیازهای (چشم گیر خود در زمینه دفاعی بپردازد. هند به نوبه خود به دنبال تامین کنندگان جدید بود. تولید کنندگان تجهیزات اصلی در روسیه فقط قسمتی از فضای خالی شریک سابق هند، یعنی اتحاد جماهیر شوروی را پر می کردند (در بسیاری از صنایع نظامی خطوط تولید اتحاد جماهیر شوروی برچیده شد و یا بعد از سال ۱۹۹۱ برای همیشه مختل شد). بالاخره آمریکا خود را به هند نزدیک کرد که این امر انتقال فن آوری را تسهیل نمود.

رادارهای فالكون اسرائیلی - سیستم های ردیابی که توسط Israel Aerospace Industry برای نیروی هوایی هند طراحی شده اند (۵) - مثال خوبی در این زمینه محسوب می شود. در سال ۲۰۰۰ واشنگتن فروش این رادارها را به چین ممنوع کرده بود که در این زمان اجازه فروش آنها به هند را صادر کرد. دهلی نو از این تجربه نتیجه روشنی را دریافت: ایجاد روابط حسنه با اسرائیل به او اجازه دسترسی به فن آوری های پیشرفتهای را می داد که ایالات متحده تمایلی به صادرات آن نداشت.

تل آویو در عرض یک دهه خود را به عنوان اولین تامین کننده تسلیحات به هند مطرح کرد. هندی که دیگر به اولین بازار صادرات اسرائیل تبدیل شده بود. حجم قراردادهای در طی ده سال گذشته حدود ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است (۶). انعطاف پذیری و سرعت عمل نقاط قوت اسرائیل محسوب می شوند. اسرائیل انعطاف پذیری دارد زیرا که این کشور خود را به آسانی با خصوصیات ارتش هند منطبق ساخته است که اکثر تجهیزات آن ریشه روسی-شوروی دارد. در نتیجه این جریان، قراردادهایی برای نوسازی تجهیزات روس بسته شد. تجهیزاتی مانند تانک، ناو هواپیمابر، هلیکوپتر و هواپیمای جنگنده که همگی به تجهیزات الکترونیکی اسرائیل مجهز هستند. اسرائیل سرعت عمل دارد، زیرا به تامین اضطراری مهمات برای ارتش هند پرداخت که با پاکستان بر سر کشمیر، در سال ۱۹۹۹ وارد تنش شد. این تنش به «بحران کارجیل» معروف است (۷).

همکاری های صنعتی در دو بخش عمده متمرکز شده است: رادارهای نظارت و هواپیماهای خودکار از یک طرف، و سیستم های موشکی از طرف دیگر. برای موارد اول، قراردادی به ارزش ۱/۱ میلیارد دلار برای فروش سه فالکن در سال ۲۰۰۴ منعقد شد.

همکاری در مورد موشکهای باراک، با قراردادی به ارزش ۲۷۰ میلیون دلار برای فروش یک سیستم پدافند دریایی در سال ۲۰۰۱ آغاز شد. این همکاری در ژانویه ۲۰۰۶ به اوج خود رسید. این زمان مصادف بود با وقتی که این دو کشور تصمیم به تولید مشترک نسل جدیدی از این موشک گرفتند. اسرائیل بعد از اینکه خود را درگیر انتقال فن آوری کرد، در شرایط رقابت با روسها قرار گرفت، که آنها نیز به طور مشترک با هند درگیر تولید موشکهای کروز بودند. سرانجام، در سال ۲۰۰۷، هر دو کشور پیش نویس قراردادی به ارزش ۲/۵ میلیارد برای توسعه یک سامانه ضد هوایی براساس باراک را اعلام کردند. اما این بار این سامانه برای ارتش هوایی و زمینی در نظر گرفته شده بود. یکی دیگر از زمینه های همکاری تصاویر ماهواره ای است. در ژانویه ۲۰۰۸، هند از طرف اسرائیل به راه اندازی آخرین نسل ماهواره جاسوسی پرداخت که می توانست اطلاعاتی را در مورد تاسیسات راهبردی ایران ارائه دهد. هند در آوریل ۲۰۰۹ ماهواره دیگری را این بار از طرف خود پرتاب کرد که ضرورت ها و الزامات پس از حملات بمبی (مومبای) موجب این مسئله شد. این حملات صد و هفتاد کشته داشت و خبر از شکاف عمیقی در زمینه نظارت کشور می داد. هند همچنان در فضای «بعد از بمبی» چندین رادار اسرائیلی را به ارزش ۶۰۰ میلیون دلار خریداری کرد، تا سامانه امنیتی خود را در طول ساحل غربی تقویت کند.

شکي نيست که اسرائيل براي کمک به تلاشهاي هند در رابطه با تمهيدات امنيتي کشور در موقعيت ممتازي قرار دارد و به طور کلی، اين موقعيت اجازه تعميق روابطي را مي دهد که قبل ازاين نيز در زمينه مبارزه با تروريسم نزديک بود. اسرائيلي ها به ساخت حصاري در طول خط کنترل با پاکستان کمک کرده اند. بدین گونه که آنها سيستم هاي نظارتي مختلفي را براي جلوگيري از نفوذ شبه نظاميان اسلامي ارائه کرده اند و بويژه اينکه اسرائيلي ها از محدود مداخله کنندگان خارجي هستند که در صحنه عمليات در کشمير ظاهر شدند.

تا به امروز، دهلي نو، همچون تمام «جامعه بين الملل» از تاسيس یک کشور مستقل و پايدار فلسطيني حمايت کرده است. اما در طی بحرانهاي پي در پي که بين اسرائيل و همسايگانش درگرفت، ديپلوماسي هند توانست از راههاي فرعي به بالاترين منافع خود دست پيدا کند. رويکرد هند در جداسازي روابط دوجانبه از فراز و نشيب هاي خاور ميانه تعريف مي شود. به عبارت ديگر تلاش در جهت حفظ همکاري با اسرائيل است، در حالي که از دشمن شدن با کشورهاي عربي نيز پرهيز مي شود. از اين رو، اظهارات رسمي دو پهلوئي از اين سياست ناشي مي شود، که گويا براي خوش خدمتي است و به طور متناوب، هم حملات تروريستي ضد اسرائيل و هم خشونت «تلافي جويانه» را کورکورانه محکوم مي کند. علاوه بر اين موضوع، ديپلوماسي هند به شکاف بزرگ ديپلوماتيک علاقه پيدا کرد. زيرا در ابتدای سالهاي ۲۰۰۰، اين کشور در حالي که به اسرائيل نزديک مي شد به گسترش روابط با ايران پرداخت. بدین ترتيب، قبل از پذيرفتن آقاي آريل شارون، در سپتامبر ۲۰۰۳، دهلي در ژانويه همان سال، پذيراي پرزيدنت محمد خاتمي بود. به صورتي کم و بيش متناقض، ايجاد روابط حسنه با اسرائيل، به هند اهرم جديدي را در سياست خاورميانه اش داد. حمايت هند ديگر به اندازه گذشته انقدرها اطمينان بخش نبود، و دولتهاي منطقه يادگرفتند که منافع خود را در اولويت قرار دهند.

سردرگمي دهلي نو در طول جنگ لبنان

اگر رابطه با اسرائيل تمرين ظريفي بود، بيشتر به خاطر دلایل داخلي بود تا خارجي. زيرا بايد حساسيت اقليت مسلمان (۱۴ درصد جمعيت) مدنيت مي شد. همچنين بايد احزاب سياسي حاشيه اي چپ را به حساب آورد که وارثان سنت ضد امپرياليسم هستند، و در برابر هر گونه سياستي که آشکارا از اسرائيل حمايت کند بسيج مي شوند. بنابراين سياست گذاران هندي در گسترش همکاري با اسرائيل ترجيح دادند پنهان کاري پيشه کنند. مسلما پيروي از اين خط در زمان بحران سخت تر است. براي مثال جنگ لبنان در سال ۲۰۰۶ سردرگمي دهلي نو را به تصوير کشيد، که در ابتدا مردم به محکوم کردن اعمال اسرائيل پرداخت، قبل از اينکه تحت فشار احزاب کمونيست و راي دهندگان مسلمان لحن خود را تندتر کند. در نهايت مجلس هند با اکثريت آرا قطعنامه اي را به تصويب رساند که اين خشونت را محکوم مي کرد. دوگانگي هند در مورد خاورميانه پر از درسهاي فراوان است. در سطحي از ديپلوماسي، اين دوگانگي از قطببيني قابل پيش بيني حاصل مي شود که بين مدافعان وضعيت سنتي و طرفدار اعراب، و هواداران همکاري با اسرائيل وجود دارد. اما بسيار ظريفتر آن است که اين دوگانگي تنشي داخلي را آشکار مي کند. تنشي موجود بين مديريت اقليتي صد و شصت ميليون نفره که هند را تبديل به سومين دولت مسلمان در دنيا مي کند، و شيفتگی پنهان هند از واکنش سريع اسرائيل. روشهائي که بعضي هادر دهلي وسوسه خواهند شد تا بر ضد جنبش هاي تروريستي مستقر در پاکستان به کار گيرند.

۱ (در ژوئن ۱۹۹۱، بحران تراز پرداختهاي هند، که بخصوص ناشي از توقف انتقال پول کارگران مهاجر در کشورهاي خليج فارس است، مديران را به سمت اجراي طرح بزرگ تنظيم ساختاري اقتصاد هدايت کرد که به تايبند صندوق بين المللي (FMI) پول بود.

۲ (لوزين تيلين، «US-Israel-India : Strategic axis?»، بي بي سي نيوز، لندن، ۹ سپتامبر ۲۰۰۳.

۳ (خطابه بر روي سايت AJC موجود است www.ajc.org :

۴ (بخش «Bilateral Trade Relations» از سايت سفارت هند در تل آویو را ببينيد www.indembassy.co.il :

۵ (اولين رادار در بهار ۲۰۰۹ انتقال يافت، تا به هواپيماهاي ايليشين بازسازي شده توسط روسيه سازگار شود. احتمالا دهلي نو بعدا سفارش سه آواکس را به مبلغ عظيم داده است.

٦ (سیدھارت سریواستوا، « Israel rushes to India's defense»، Asia Time Online، ٢ آوریل ٢٠٠٩).

٧ (بخوانید ایناسیو رامونه، «تهدید پاکستان»، لوموند دیپلوماتیک، نوامبر ١٩٩٩).